

دو ماه بعد از اعلام کناره گیری صدراعظم آلمان در سال ۲۰۲۰، حزب دموکرات مسیحی، معاون حزب محافظه کار اتحادیه دموکرات مسیحی آلمان را به عنوان جانشین آنگلا مرکل انتخاب کرد. نشست حزب اتحادیه دموکرات مسیحی روز جمعه ۱۶ قوس در شهر هامبورگ آلمان برگزار شد. در این نشست، آنگلا مرکل برای آخرین بار به عنوان رهبر حزب سخنرانی کرد. او گفت که در انتخابات بعدی حزب دموکرات مسیحی شرکت نمی کند، اما تا آخر دوره صدراعظمی خود تا سال ۲۰۲۰ در این سمت خواهند ماند. اتحادیه حزب دموکرات مسیحی در این نشست، «آنه گرت کرامپ-کارن باوئر» ۵۶ ساله و معاون حزب محافظه کار اتحادیه دموکرات مسیحی آلمان را به عنوان جانشین مرکل به عنوان رهبر جدید حزب با ۵۱۷ رای انتخاب کرد.

خانم کارن باوئر پیش از این یکی از رقبای خانم مرکل در انتخابات درون حزبی بود. او این شانس را دارد که با حمایت حزب دموکرات مسیحی در انتخابات ۲۰۲۰ صدراعظم جدید آلمان شود. حزب دموکرات مسیحی که ۱۸ سال است قدرت را در آلمان به دست دارد، یک دولت ائتلافی است که در دو انتخابات اخیر محبوبیت آن کاهش یافته است. حزب دموکرات مسیحی که آنگلا مرکل صدراعظم آلمان رهبر آن است، روز یکشنبه ۲۸ اکتبر در انتخابات ایالت «هسن» شکست خورد و یازده درصد آرای خود را از دست داد. به دنبال شکست های اخیر حزب دموکرات مسیحی آلمان به رهبری «آنگلا مرکل»، صدراعظم این کشور در انتخابات پارلمانی، اعلام کرد که در دور بعدی پارلمان نامزد تصدی پست صدراعظمی نخواهد بود. مرکل پیش از این اعلام کرده بود که از رهبری این حزب نیز انصراف خواهد داد. آنگلا مرکل ۶۴ ساله از سال ۲۰۰۰ تاکنون ریاست حزب دموکرات مسیحی آلمان را برعهده دارد.

سال پنجم، یکشنبه، ۱۸ قوس، ۱۳۹۷ هجری خورشیدی، ۹ دسامبر ۲۰۱۸

شماره ۲۰۷



توافق کمیسیون های انتخاباتی در مورد آرای حوزهی کابل؛ قانون چه می گوید؟



که امیر پناهیان

بر اساس مادهی سی ام قانون جدید انتخابات افغانستان، کمیسیون سماع شکایات صلاحیت دارد تا در مورد شمارش مجدد آرا قبل از اعلان نتایج، تصمیم گیری نماید. همچنین این کمیسیون صلاحیت دارد تا اوراق رأی دهی که فاقد شرایط لازم بوده را بی اعتبار اعلان نماید. بر این اساس، کمیسیون سماع شکایات وظیفه دارد تا در مورد شکایات های معترضین، با در نظر داشت اصول و موازین قانونی برخورد نموده و از هرگونه ملاحظات سیاسی تیمی خود داری نماید. همچنین بر اساس تفسیر محتوایی از متن قانون می توان اذعان نمود که این کمیسیون صلاحیت دارد تا در مورد ابطال دسته جمعی آرا و یا قبول و رد برخی از آرای تقلبی تصمیم اتخاذ نماید.

طرح جدید به معنی سهمیه بندی

کانکور نیست

وزارت های تحصیلات عالی و معارف کشور برای انکشاف متوازن در عرصه تحصیلات عالی و تربیه کادرهای محلی در مناطق کمتر انکشاف یافته، طرحی تازه ای را در زمینه کانکور به کابینه پیشنهاد کرده که مورد تایید قرار گرفته است. براساس این برنامه، ۷۵ درصد از سیت های کانکور امسال مانند گذشته به گونه عمومی و ۲۵ درصد آن به سطح زون ها به رقابت گذاشته می شود. مسئولان دو وزارت می گویند که این طرح هرگز به معنی سهمیه بندی نبوده و زمینه شفاف راه یافتن افراد واجد شرایط را به پروسه کانکور فراهم می سازد.

فیصل امین سخن گوی وزارت تحصیلات عالی در یک نشست خبری، دیروز (شنبه، ۱۷ قوس) گفت: هدف این برنامه تربیه کادرهای محلی و رشد ظرفیت ها و استعداد های جوانانی است که در مناطق مختلف کشور از راه یافتن به کانکور بازمانده اند. در همین حال نوریه زهت سخن گوی وزارت معارف نیز در این کنفرانس گفت که هدف از این طرح تقسیم بندی بر اساس قوم و ملیت نه بلکه فراهم سازی زمینه تعلیم و تحصیل متوازن برای تمامی جوانان افغانستان است. امتحان سراسری کانکور امسال نیز مانند گذشته به صورت عمومی برگزار می شود، اما برای ۲۵ درصد سیت های کانکور در رشته های طب، انجینیری، حقوق، اقتصاد، زراعت و کمپیوتر ساینس، تنها در سطح هر زون رقابت صورت می گیرد. براساس این برنامه، تمام کشور به شمول پایتخت، بر اساس رشته های مورد نیاز در هشت زون تقسیم بندی شده و سهمیه رشته های مورد نیاز با توجه به دریافت بالاترین نمره کانکور در نظر گرفته شده است.

دیدار خلیل زاد با معاون وزارت خارجه

روسیه در مورد صلح افغانستان

به نقل از اطلاعات روز، زلمی خلیل زاد، نماینده ویژه امریکا برای صلح افغانستان روز جمعه (شانزدهم قوس) با ایگور مارگولوف، معاون وزارت امور خارجه روسیه و ضمیر کابلوف، فرستاده ویژه روسیه برای افغانستان دیدار کرده است. در این دیدار که در مسکو، پایتخت روسیه صورت گرفته است، دو طرف در مورد وضعیت فعلی افغانستان و آغاز روند مذاکرات صلح میان حکومت افغانستان و گروه طالبان صحبت کرده اند. وزارت خارجه روسیه در اعلامیه بی گفته است: «در این دیدارها، وضعیت کنونی افغانستان مورد بحث قرار گرفت. همچنین در مورد احتمال همکاری روسیه و امریکا در چارچوب تلاش های بین المللی برای تسهیل آغاز یک گفت و گوی مستقیم بین الافغانی صحبت شده است.» خلیل زاد در این دیدار گفته است که برای دست یافتن به صلح و ثبات در افغانستان، به همکاری روسیه نیاز است.

این در حالی است که زلمی خلیل زاد روز پنجشنبه هفته گذشته در جریان سومین دور سفر خود به کشورهای منطقه، وارد کابل شده و با مقام های حکومت افغانستان از جمله رئیس جمهور اشرف غنی و عبدالله عبدالله، رئیس اجرایی دیدار کرد. آقای خلیل زاد پس از دیدار با مقام های افغان، به خاطر گفت و گو با مقام های روسی در مورد صلح افغانستان، عازم مسکو شد. این نخستین سفر زلمی خلیل زاد از زمان تعیین شدن او به عنوان نماینده ویژه امریکا برای صلح افغانستان، به روسیه است.

شفافیت انتخابات؛ وعدهی سر خرمن یا برنامهی در دستور کار؟

اسحق علی احساس



از جمله حوزهی انتخاباتی کابل و تعدادی از حوزه های انتخاباتی چندین ولایتی دیگر.

از سوی دیگر، تخطی ها، شکایات و اعتراضات در رابطه به انتخابات پارلمانی ولایت کابل، در حدی گسترده و زیاد است، که کمیسیون شکایات انتخاباتی به تاریخ ۱۵ قوس ۱۳۹۷، آرای این حوزه را باطل اعلام کرد. این کمیسیون در مصوبه ۱۴ قوس ۱۳۹۷، فیصله کرد، که به دلیل موجودیت گزارش های مستند از تخطی های انتخاباتی، تمامی آرای کابل باطل است. این کمیسیون همچنان اعلام کرد، که به دلیل سوء مدیریت، نقض قوانین، لواط و طرز العمل های انتخاباتی و ارتکاب جرایم و تخلفات گسترده، شماری از مسوولان انتخاباتی از وظایف شان برکنار و جرمه های نقدی شده اند.

تا این جای کار، انتخابات پارلمانی ۲۸ میزان، با سر و صداهای زیادی به همراه بوده است. این پروسه با بحران اعتماد کلید خورد و زیر سایه نا امنی و سوء مدیریت نهادهای برگزار کننده و مسوول، ادامه پیدا کرد. تقلبات سازمان یافته از سوی زورمندان و مافیای اقتصادی در روزهای برگزاری انتخابات و سپس رشوه ستانی مدیران کمیسیون انتخابات برای مهندسی این روند به نفع افراد نزدیک به حلقه قدرت و عدهی دیگری از کاندیدان، بحران بی باوری این پروسه را کامل کرد. تا هنوز دست کم هیچ نهاد و ارگان ذیل در انتخابات، برای اعادهی اعتماد و مشروعیت این روند، کمترین کار ممکن را نکرده اند. بسیاری از حوزه های انتخاباتی با بحران انتخاباتی روبه رو است؛

نگاه حقوقی به بسترهای حقوق بشر در افغانستان

محمد نسیم نظری



دوم تدوین و تصویب یک سند معتبر بین المللی برای لغو و مردود دانستن کشتارهای دسته جمعی و جنگ های ویرانگر در سطح جهانی بود.

هرچند ریشه های فکری و فلسفی حقوق بشر از دیرزمانی مورد توجه اندیشمندان در سطح بین المللی بوده و هر کدام از صاحب نظران و تئوری پردازان با توجه به وسعت فکری و نگاه تئوریک شان نسبت به بحث حقوق بشر به عنوان اساسی ترین حق هر انسان توجه داشته و بسترهای تئوریک آن را در مقیاس های مختلف نظرسنجی فکری و داده های تحلیلی جستجو نموده اند، اما اندیشهی مدرن حقوق بشر پس از جنگ جهانی اول و به دنبال تأسیس جامعهی ملل در سال ۱۹۲۰ شکل گرفت...

سه شنبه هفتهی گذشته (۱۳ قوس)، از هفتادمین سال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و بیست و پنجمین سال برنامهی عمل حقوق بشر افغانستان طی محفلی در کابل گرمای داشت به عمل آمد. جهانیان پس از تجربهی تلخ دو جنگ خانمان سوز و بی رحمانهی اول و دوم جهانی و بعد از چانه زنی های فراوان توانستند به صورت جمعی برای همزیستی مسالمت آمیز و مسیر نسبتن مطمئن و هموار برای زندگی مشترک، اقدام نمایند. این اقدام شامل دو کار ویژه و اساسی بود. اولین قدم توافق جهانی برای تأسیس یک سازمان همه شمول و فراگیر برای جلوگیری از قتل عام ها و کشتارهای بی رحمانه بود. گام

گپ مردم



منطق سهمیه بندی

کانکور عمومی چیست؟

چهارشنبه هفته‌ی گذشته (۱۴ قوس)، کابینه‌ی حکومت وحدت ملی طرحی را پیرامون چگونگی جذب داوطلبان کانکور در دانشگاه‌های کشور تأیید کرد. بر اساس این طرح، ۷۵ فیصد از سیت‌های کانکور به صورت عمومی به رقابت گذاشته می‌شود و متقاضیان از تمام نقاط افغانستان در تناسب به سطح نمرات‌شان به دانشگاه‌ها جذب می‌شوند، ۲۵ فیصد از مجموع سیت‌های کانکور به علت آن‌چه وضعیت بد امنیتی و عدم انکشاف و توسعه در ولایت‌های دور دست خوانده شده، در سطح زون‌ها به رقابت گذاشته می‌شود و رشته‌های طب معالجوی، کمپیوتر ساینس، انجینری، حقوق، اقتصاد و زراعت بر اساس تقسیم‌بندی در سطح زون‌ها، میان داوطلبان به رقابت گذاشته خواهد شد. هم‌چنین فیصل امین سخنگوی وزارت تحصیلات عالی روز شنبه (۱۷ قوس)، طی نشست مطبوعاتی مشترک با نوریه نزهت سخنگوی وزارت معارف، طرح بدیل آزمون کانکور را زمینه‌ساز شفافیت در ورود داوطلبان واجد شرایط در دانشگاه‌های کشور عنوان کرد و هدف از ایجاد این طرح را تربیه کادرهای محلی و رشد ظرفیت و استعداد جوانانی عنوان نمود، که در مناطق مختلف کشور از راه‌یافتن به دانشگاه‌ها بازمانده‌اند.

رشته‌های مشخص شده در سطح زون‌ها، به وضوح می‌رساند، که حکومت با تبانی برخی حلقات دخیل در اعمال تبعیض سیستماتیک، تلاش دارد تا فرصت‌های اندک تحصیلی و زمینه‌های فکری جوانانی را در کشور مسدود نمایند، که هم ظرفیت و استعداد ورود به دانشگاه‌ها و تولید اندیشه و فکر را دارند و هم از توانایی انجام کارهای موثر و عملی برخوردار اند. این طرح حاوی این حقیقت است، که هیچ کانون ملی از امیال و آرمان حلقات مشخص سیاسی_تباری دور نمانده و این ویروس کشنده تا اعماق مراکز تحصیلی و آموزشی نفوذ کرده. واقعیت اما این است؛ طرح بدیلی که به تصویب کابینه رسیده، نه تنها مورد پذیرش افکار عمومی نیست، بلکه مورد قبول چهره‌ها و نخبگان علمی_فرهنگی نیز نمی‌باشد. نباید فراموش شود، که هر نوع برخورد غیرعلمی و همراه با اغراض سیاسی، می‌تواند آینده‌ی نهادهای اکادمیک و مراکز آموزشی را به بدترین شکل ممکن تغییر دهد و از حضور ظرفیت‌های علمی در نهادهای اکادمیک جلوگیری نماید. اگر حکومت افغانستان در تلاش تربیه کادرهای محلی است، باید زیرساخت‌ها و بنیادهای علمی دانش‌آموزان را تقویت نماید و این مهم بدون طرح دوامدار و دقیق در دوران مکتب، امکان پذیر نیست. با این اوصاف، استنتاج فوری از مسأله این است: یکم: تقسیم استعدادهای در سطح زون‌های کشور نه تنها منطق اکادمیک و تئوریک ندارد، بلکه علن به مفهوم تقلیل‌دادن علم در بستر نگاه‌های تنگ جغرافیایی می‌باشد. تنزل مسیرهای علمی در هر سطحی خلاف روحیه‌ی قانون اساسی و دستاوردهای یک و نیم دهه تجربه‌ی حکومت‌داری و تمرین شایسته‌سالاری در کشور است.

دوم: اختصاص ۲۵ فیصد امتیاز علمی به داوطلبانی از زون‌ها و ولایات کمتر انکشاف‌یافته، نشان می‌دهد که بسترهای اکادمیک همانند گذشته تابع علایق و سلاقی مشخص هویتی شده و از همه مهم‌تر، تقسیم ولایات به انکشاف‌یافته و غیرانکشاف‌یافته هیچ منطق قانونی و توجیه علمی ندارد.

سوم: با عملی شدن این طرح، راه‌یافتن برخی داوطلبان به دانشگاه‌ها حالت فرمایشی می‌گیرد. این کار سطح دانش و معیارهای علمی را در مراکز آموزشی و کانون‌های تحقیقاتی به پایین‌ترین سطح آن کاهش می‌دهد. اگر حکومت افغانستان واقعن اراده‌ی اصلاحات و تربیه کادرهای متخصص محلی را دارد، باید استعدادهای نخبه را در دوران مکتب و قبل از ورود به دانشگاه شناسایی کند، تا از حضور افراد بی‌سواد و کم ظرفیت در دانشگاه‌ها جلوگیری شود.

توافق کمیسیون‌های انتخاباتی در مورد آرای حوزه‌ی کابل؛

قانون چه می‌گوید؟

بر اساس ماده‌ی سی‌ام قانون جدید انتخابات افغانستان، کمیسیون سمع شکایات صلاحیت دارد تا در مورد شمارش مجدد آرا قبل از اعلان نتایج، تصمیم‌گیری نماید. هم‌چنین این کمیسیون صلاحیت دارد تا اوراق رأی‌دهی که فاقد شرایط لازم بوده را بی‌اعتبار اعلان نماید. بر این اساس، کمیسیون سمع شکایات وظیفه دارد تا در مورد شکایت‌های معترضین، با در نظر داشت اصول و موازین قانونی برخورد نموده و از هرگونه ملاحظات سیاسی_تیمی خود داری نماید. هم‌چنین بر اساس تفسیر محتوایی از متن قانون می‌توان اذعان نمود که این کمیسیون صلاحیت دارد تا در مورد ابطال دسته‌جمعی آرا و یا قبول و رد برخی از آرای تقلبی تصمیم اتخاذ نماید. از لحاظ کارویژه‌های حقوقی و با توجه به بسترهای تئوریک فلسفه‌ی وجودی کمیسیون سمع شکایات، این نهاد در دسته‌بندی‌های حقوقی شامل حوزه حقوق عمومی بوده که از آن در ادبیات رایج حقوق عمومی به نهاد شبه‌قضایی نیز تعبیر می‌شود. از لحاظ ترکیب نظری ادبیات اداری، به صورت عموم، حقوق «رومن ژرمنی» طرفدار نهادهای شبه‌قضایی به جای چند بُعدی بودن نهادهای قضایی بوده و مشکلات حقوقی فرا روی تک‌محوری قوه‌ی قضائیه، از این شیوه استفاده می‌کنند. اما در مقابل سیستم حقوقی «کامن لا»، طرفدار تعدد محاکم بوده و از این جهت نهادهای شبه‌قضایی بستر عملی_علمی برای این نوع سیستم نداشته و اساس موضوعیت حقوقی ندارد.

افغانستان از آن جهت که به نحو هرچند ناقص از سیستم «رومن ژرمنی» و وحدت قضایی استفاده می‌کند، نیازمند نهادهای موازی برای جلوگیری از افزایش دوسیه‌های قضایی و حجم فراوان کار بردوش قوه‌ی قضائیه بوده و از این جهت چون کمیسیون مستقل انتخابات در تشکیلات اساسی دولت به عنوان یک نهاد مستقل با بودجه و امکانات مالی مستقل شناخته شده است، نیازمند یک نهاد ناظر و قوه‌ی بازدارنده از اعمال خلاف قانون می‌باشد. فلسفه‌ی وجودی کمیسیون سمع شکایات بر اساس مبانی حقوق عمومی و مفاهیم گسترش‌یافته از آن، نظارت بر عملکرد کمیسیون انتخابات و جلوگیری از تخلفات انتخاباتی می‌باشد و هم‌چنین وظیفه دارد تا از تمامی مراحل و فرایندهای کاری کمیسیون انتخابات به صورت دقیق و بی‌طرفانه نظارت نموده و به مشکلات و اعتراض‌های مردم افغانستان رسیدگی عادلانه نماید. هرچند به لحاظ حقوقی و با توجه به بافت کلی قانون اساسی، کمیسیون سمع شکایات هیچ‌گونه موضوعیت

حقوقی نداشته، بلکه صرفن به منظور کنترل بر کمیسیون انتخابات ایجاد گردیده است. زیرا بر اساس داده‌های حقوقی، کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی به صورت واضح وظیفه‌ی نظارت بر کمیسیون مستقل انتخابات را به عهده دارد. با آن هم این کمیسیون در طول تجربه‌ی انتخاباتی افغانستان نشان داده است، که می‌تواند مسیرهای انتخابات را به عنوان یک روند ملی و تأثیر گذار در سرنوشت سیاسی شهروندان کشور، به سوی چشم‌اندازهای مثبت و مترقی رهنمون سازد. تصمیم اخیر کمیسیون سمع شکایات مبنی بر ابطال آرای کابل، بر اساس مدارک و اسناد دست‌داشته‌ی شان، یک تصمیم کاملن دقیق و سنجیده شده بود. زیرا بر اساس شواهد عینی و برخی گزارش‌های منتشر شده از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جمعی، بیشترین تقلب در ولایت کابل انجام یافته و بسیاری از اعتراض‌های درج‌شده در کمیسیون سمع شکایات نیز مربوط این ولایت می‌باشد.

رهبری حکومت وحدت ملی با تلاش‌های بی‌وقفه و زود هنگام شان، به صورت تحمیلی بالای کمیسیون سمع شکایات فشار وارد ساخت، تا از تصمیم‌اش برگردد و با قبول خدشه‌دار شدن اعتبار قانونی‌اش، تن به تعامل سیاسی و مصلحت‌اندیشی تیمی دهد. اما آن‌چه واضح است، دست‌برد و اعمال فشار دستگاه حاکمیت و مقام‌های ارشد دولتی بالای کمیسیون‌های انتخاباتی بوده، که این عمل در تضاد با قانون اساسی، قانون انتخابات، روبه‌های همگانی و اصل بی‌طرفی در امورات نهادهای مستقل است، که هیچ توجیه اداری_حقوقی ندارد. تا زمانی که حکومت و رهبران ارشد نظام سیاسی با بی‌اعتنایی به قانون و حرمت عمومی، در تصامیم و عملکردهای نهادهای انتخاباتی مداخله نماید، فرصت‌های مهمی چون انتخابات، قربانی بازی‌های پیدا و پنهان سکاداران نظام بوده و نمی‌تواند تبلور شفاف از اراده‌ی عمومی و خرد همگانی باشد.

تعدیل در تصمیم اخیر کمیسیون سمع شکایات، فرصت و بستر سوءاستفاده و بی‌اعتمادی نسبت به انتخابات را در افغانستان به شدت افزایش خواهد داد و منجر به تضعیف پایه‌های دموکراسی و مردم‌سالاری خواهد شد. از این جهت بهتر است، حکومت در امور نهادهای انتخابات مداخله نماید و جلو مداخله‌ی زورمندان و شبکه‌های قدرت در این پروسه را در تمامی سطوح مسدود سازد.

افغانستان از آن جهت که به نحو هرچند ناقص از سیستم «رومن ژرمنی» و وحدت قضایی استفاده می‌کند، نیازمند نهادهای موازی

برای جلوگیری از افزایش دوسیه‌های قضایی و حجم فراوان کار بردوش قوه‌ی قضائیه بوده و از این جهت چون کمیسیون مستقل

انتخابات در تشکیلات اساسی دولت به عنوان یک نهاد مستقل با بودجه و امکانات مالی مستقل شناخته شده است، نیازمند یک

نهاد ناظر و قوه‌ی بازدارنده از اعمال خلاف قانون می‌باشد. فلسفه‌ی وجودی کمیسیون سمع شکایات بر اساس مبانی حقوق عمومی

و مفاهیم گسترش‌یافته از آن، نظارت بر عملکرد کمیسیون انتخابات و جلوگیری از تخلفات انتخاباتی می‌باشد و هم‌چنین وظیفه دارد

تا از تمامی مراحل و فرایندهای کاری کمیسیون انتخابات به صورت دقیق و بی‌طرفانه نظارت نموده و به مشکلات و اعتراض‌های

مردم افغانستان رسیدگی عادلانه نماید.

نگاه حقوقی به بسترهای حقوق بشر در ...

و در سال ۱۹۴۵ بعد از کشتارهای بی‌رحمانه‌ی جنگ جهانی دوم و در زمان تأسیس سازمان ملل متحد، به صورت یک خواست همگانی و انسانی مطرح شد. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر پس از دو سال کار مداوم و علمی-حقوقی توسط تیم منتخب حقوقی که در آن نمایندگان از کشورهای فرانسه، آمریکا، کانادا، چین و لبنان حضور داشتند، به رهبری آنا لینور روز ولت، همسر سی و دومین رئیس‌جمهور آمریکا و رئیس وقت کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، تکمیل و با ۴۸ رأی موافق بدون رأی مخالف و ۸ رأی ممتنع به تصویب رسید.

این اعلامیه حاوی مفاهیم جدید و دربردارنده‌ی طرز تلقی مدرن انسان‌پسای جنگ‌های جهانی بوده و شامل اصول بنیادین زیست‌جمعی و حقوق فطری انسانی می‌باشد. در این اعلامیه به اصول اساسی و آزادی‌های عمومی چون: اصل کرامت انسانی، اصل آزادی، اصل برابری و عدم تبعیض و اصل برادری اشاره شده، که از اساسات بنیادین زیست‌جمعی مسالمت‌آمیز و فرار از خشونت‌های سازمان‌یافته در سطح ادبیات بین‌المللی به شمار می‌رود. هم‌چنین با مطالعه‌ی ریشه‌های فکری-فرهنگی حقوق بشر، که از آن به نسل‌های حقوق بشر نیز در تعبیر آکادمیک یاد می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که بسترهای حقوقی این موضوع از دیر زمانی در محافل آکادمیک موجود بوده و به صورت رسمی توسط تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر همگانی شده است. نسل‌های حقوق بشر به صورت عموم به سه‌دسته‌ی اساسی تقسیم‌بندی می‌شود. نسل اول؛ شامل حقوق مدنی-سیاسی بوده که در تشکیل سازمان ملل متحد پس از تصویب کنوانسیون حقوق مدنی-سیاسی، درجه‌ی تشکیلاتی و بخش معین برای تعقیب آرمان‌های مدنی و سیاسی و جلوگیری از بهره‌کشی‌های سیاسی بوده و به این منظور دوام یافته است. نسل دوم؛ شامل حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده که نیز در کنوانسیون جداگانه به آن‌ها اشاره شده و زمینه‌های عملی-علمی آن‌ها به صورت دقیق و دنیا می‌آید و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابر اند. همه

همه‌جانبه مورد ارزیابی و شناسایی قرار گرفته است. نسل سوم حقوق بشر؛ شامل حقوق همبستگی می‌باشد. در این نسل، به اصول و مفاهیم چون حق بر صلح، حق بر توسعه، حق بر محیط زیست سالم، حق مالکیت بر میراث مشترک بشریت، حق برخورداری از استقلال، حاکمیت دایم بر منابع طبیعی، حق افراد و جوامع بر تفاوت‌ها و مشخصه‌های فرهنگی، پرداخته شده و این اصول نیز از موارد لاینفک اعلامیه پنداشته می‌شود. با این وجود و با در نظر داشت محتوای انسانی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، زمینه‌ی عملی و تطبیقی این سند مهم بین‌المللی در سطح جامعه‌ی جهانی به علت فقدان ساز و کار مشخص حقوقی در سطح حقوق بین‌الملل، نبود پیگرد قانونی برای تخطی‌ها و سوءاستفاده از اسناد معتبر بین‌المللی، حضور حکومت‌های توتالیتر و استبدادی و قرائت‌های سنتی از مفاهیم دینی، تا اکنون به صورت همه‌جانبه و فراگیر تحقق نیافته است. هرچند این سند به عنوان یک متن مصوب مورد احترام جامعه‌ی بین‌الملل بوده و بیشترین ریکارد ترجمه را به خود اختصاص داده است، با آن هم زمینه‌های مناسب ضمانتی و اجرائی برای آن تا هنوز در بستر حقوق بین‌الملل وجود نداشته و تنها حرمت و اخلاق بین‌المللی ضامن اجرای آن می‌باشد.

مفهوم حقوق بشر در افغانستان سابقه‌ی طولانی داشته اما به صورت عملی پس از توافق پُن و ایجاد کمیسیون مستقل حقوق بشر در سال ۱۳۸۰ خورشیدی، به صورت رسمی در ادبیات حقوقی-سیاسی افغانستان شامل گردیده است. در طول کمتر از دو دهه نظام دموکراتیک و ساختارهای برخواسته از ارزش‌های حکومت‌داری خوب در مقیاس جهانی و سیاسی و با وجود تلاش‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر، اما دستاوردهای حقوق بشری و مفاد اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر اندک و غیر قابل ملاحظه بوده است. هرچند در بخش حضور زنان در ساختارهای تصمیم‌گیری، عدم کار اجباری اطفال و حفاظت از معلولین، آزادی‌های مطبوعات، حق تظاهرات و ... کارهای به صورت نسبی انجام یافته، اما مفاهیم کلیدی این اعلامیه تا اکنون در افغانستان مورد توجه نبوده است. در ماده‌ی اول اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر چنین آمده است: «تمام افراد بشر، آزاد به دنیا می‌آید و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابر اند. همه

حکومت افغانستان به جای جلوگیری از نقض آشکار حقوق بشر و کنوانسیون‌های پیرامون آن، در صدد توجیه چنین جنایات و کنترل افکار عمومی بوده و هیچ مسیر مطمئن برای رسیدن بر ارزش‌ها و تطبیق آرمان‌های حقوق بشری نداشته و هیچ‌گونه تلاش مؤثر برای آن انجام نداده است.

شفافیت انتخابات؛ وعده‌ی سر خرمن یا برنام‌هی...

اما ساعاتی پس از همگانی‌شدن مصوبه‌ی کمیسیون شکایات انتخاباتی، کمیسیون مستقل انتخابات این تصمیم را «غیرقانونی» و توأم با «انگیزه‌های سیاسی» خواندند.

پس از اختلاف نظر کمیسیون‌های انتخاباتی، به تاریخ ۱۶ قوس، جلسه‌ی مشترک هر دو کمیسیون تحت ریاست معاون دوم رئیس‌جمهور و با اشتراک رئیس ستره‌محکمه، لوی خُرنوال، رئیس کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی، رئیس ارگان‌های محلی و رئیس اداره‌ی ملی احصایه دایر شد. در این جلسه توافق صورت گرفت، که در رابطه به بند اول تصمیم مورخ ۱۴ قوس ۱۳۹۷ کمیسیون شکایات انتخاباتی تجدید نظر صورت گیرد. هم‌چنان توافق شد، در آینده هر دو کمیسیون موارد اختلافی خویش را در تفاهم مشترک حل و فصل نمایند و نیز موافقه صورت گرفت که کمیسیون مستقل انتخابات تعداد آرای بایومتریک‌شده و سایر اسناد مورد نیاز را هرچه زودتر به کمیسیون مرکزی شکایات انتخاباتی تسلیم نماید. اکنون سه پرسش جدی در رابطه به آینده‌ی پروسه‌ی انتخابات حوزه‌ی کابل و چند حوزه‌ی انتخاباتی دیگر وجود دارد.

بازشماری، به دلیل خرید و فروش رأی در بدل پول، به سرای شهزاده معروف شده بود. گزارش‌های رسمی و تأیید شده‌ای وجود دارد، که کارمندان بازشماری آراء هر رأی را در بدل ۵۰ دالر برای کاندیدان حساب کرده‌اند. این درحالی است، که روند بازشماری آرای حوزه‌ی انتخاباتی کابل با نظارت کمیسیون شکایات انتخاباتی آغاز شد و برای نزدیک به بیست روز ادامه پیدا کرد. اکنون با توجه به موافقه‌ی هردو کمیسیون، در صورتی که آرای بایومتریک‌شده و سایر اسناد مورد نیاز به کمیسیون شکایات انتخاباتی تحویل داده شود، این کمیسیون بر اساس چه مکانیزمی آرای پاک را از آرای تقلبی جدا می‌سازد؟ واقعیت این است، که در جریان بازشماری آراء، تقلب در حد گسترده و فراگیر سازماندهی شده، که نتایج انتخابات به تمام معنی زیر سوال رفته است. با این وصف، اگر کمیسیون شکایات انتخاباتی، بر اساس نتایج بازشماری کنونی، نتیجه‌ی انتخابات را اعلام کند، چنین نتیجه‌ی هرگز شفاف نیست. در صورتی که این کمیسیون طرح جدید برای بازشماری آراء بیندازد، در آن صورت چه تضمینی وجود دارد، که جریان بازشماری آراء به سمتی برود که این بار رفت.

دوم: عدم موجودیت مکانیزم واضح برای تشخیص آرای پاک از آرای تقلبی، به پرسش جدی‌تری می‌انجامد. این که سرونوشت پروسه‌ی انتخابات چه می‌شود؟ واقعیت این است، که موارد اختلافی کمیسیون‌های انتخاباتی با وصف پنهان‌کاری‌های بسیار، بیش از حد است. این دو کمیسیون در بسا موارد توافق نظر ندارند. اطلاعاتی وجود دارد، که بحث بر سر ابطال چند حوزه‌ی انتخاباتی دیگر نیز داغ است و احتمال می‌رود روی نتایج ابتدایی تعداد زیادی از ولایات تجدید نظر شود. در حوزه‌ی انتخاباتی

کابل، میان نتایج محلات و نتایج بازشماری آراء، تفاوت زیادی به‌وجود آمده است. در اوراق نتایج بازشماری در بسیاری از محلات، آراء به نفع کاندیدانی حساب شده که درختم روزهای برگزاری انتخابات از آن محلات، هیچ رأی نگرفته بودند. با این حال سخت است، به پایان بدون مجادله‌ی انتخابات پارلمانی در ولایت کابل و چند ولایت دیگر امیدوار باشیم. اکنون که مسوولیت جداسازی آرای پاک از آرای ناپاک به کمیسیون شکایات انتخاباتی ارجاع شده، ضمن این که مکانیزم کار، معلوم و مشخص نیست، آینده‌ی پروسه‌ی انتخابات نیز تیره و تاریک دیده می‌شود.

سوم: برای اعاده‌ی اعتماد در پروسه‌ی انتخابات چه اقداماتی لازم است؟ همه می‌دانیم، که پروسه‌ی انتخابات با بحران اعتماد روبه‌رو می‌باشد. نهادهای برگزارکننده و دخیل در این روند به طور عام و کمیسیون مستقل انتخابات به طور خاص، عامل اصلی این بی‌اعتمادی است. اکنون هرچند اعاده‌ی اعتماد در پروسه‌ی انتخابات، امر تقریبی ناممکن به نظر می‌رسد؛ اما با عملی‌سازی اقداماتی چون شناسایی افراد متقلب و کشاندن آنان به میز محاکمه، نظارت دقیق از جریان بازشماری آراء و باطل‌کردن آرای تقلبی و مشکوک، می‌تواند اعتماد را به صورت نسبی در این پروسه برگرداند. در غیر این صورت، بعید و دور از انتظار نیست، که در کابل و ولایات دیگر بحران انتخاباتی اتفاق بیفتد و وضعیت به مسیری برود، که به نفع هیچ گروه و جریانی نیست. بنابراین نهادهای دخیل در انتخابات و حکومت مسوولیت دارند، برای جلوگیری از بحران انتخاباتی اقدامات جدی و پیش‌گیرانه روی دست گیرند و نگذارند وضعیت پیچیده‌تر از این شود.

برگی از تاریخ

چگونگی اعزام نیروهای نظامی

اتحاد شوروی به افغانستان

"حفیظ الله امین رییس شورای انقلابی و منشی عمومی کمیته‌ی مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان، در این اواخر موضوع ضرورت اعزام یک کتدک قوای موتریزه از تفنگ‌داران اتحاد شوروی را به کابل طرح کرده تا از اقامتگاه وی دفاع نماید. با در نظر داشت اوضاع و تقاضای حفیظ الله امین مقتضی و مناسب دانسته می‌شود تا یک دسته از قشون مربوط ریاست ارکان عمومی که به این اهداف آماده شده‌اند، با گروهی مرکب از ۵۰۰ تن با نوعی لباس یونیفورم که وابستگی شان را به قوای مسلح اتحاد شوروی آشکار نکند، به افغانستان بفرستیم. احتمال فرستادن این قشون به جمهوری دموکراتیک افغانستان در پرتو فیصله‌ی شماره ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ بیرونی سیاسی کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی صورت گرفته است. با توجه به این واقعیت که مسأله‌ی اعزام قشون به کابل با خواست جانب افغانی توافق دارد، پیشنهاد می‌شود که آن‌ها را در هواپیمای ترانسپورتنی نظامی سوار کنیم و این کار را در نیمه اول ماه دسامبر انجام دهیم.

رفیق اوستینف بدین طرح موافق است - از جانب اندروپف و اگارکوف، ۴ دسامبر ۱۹۷۹»

بنابر آن دیده می‌شود که در مدت کوتاه تغییر در نظر رهبران مسکو برای فرستادن قوا و استفاده از قوت نظامی در افغانستان به وجود آمده بود. سر انجام، اتحاد شوروی آهسته و به تدریج نیروهای نظامی خود را در نتیجه‌ی درخواست نورمحمد تره‌کی و حفیظ الله امین خلاف موضع‌گیری‌ها و تصامیم قبلی خود به افغانستان می‌فرستند. گروموف در صفحه‌ی ۶۵ کتاب ارتش سرخ در افغانستان می‌نویسد: «به تاریخ ۲۴ ماه دسامبر در گردهمایی هیئت رهبری وزارت دفاع اعلام گردید، که رهبران اتحاد شوروی تصمیم گرفته‌اند به افغانستان نیرو بفرستند. تا فرا رسیدن این موعد، نیروهای عمده سپاه آرایش یافته، چهل آماده بودند به وظایف خود عمل نمایند. سپاهیان وظیفه داشتند بر پایه‌ی رهنمود وزارت دفاع اتحاد شوروی، به سوی افغانستان مارش کرده و در قلمرو آن کشور مستقر گردند. زمان دقیق عبور از مرز نیز تعیین گردیده بود. ساعت یک بعد از ظهر ۲۵ دسامبر سال ۱۹۷۹، سفیر اتحاد شوروی در کابل، حفیظ الله امین را از پیش در جریان قرار داد که رهبران اتحاد شوروی تصمیم گرفته‌اند، به کشور دوست افغانستان کمک نماید. بر پایه‌ی این اطلاع، حفیظ الله امین به ستاد کل نیروهای مسلح افغانستان دستور داد تا با سپاهیان اتحاد شوروی از هیچ‌گونه همکاری دریغ نشود."

دستگیر پنجشیری در صفحه ۱۱۸ کتاب «ظهور و زوال ح.د.خ.» در باره‌ی ورود قطعات نظامی اتحاد شوروی به افغانستان می‌نویسد، که امین به بیرونی سیاسی گزارش ارئه نمود و گفت: «قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی از بندر حیرتان عبور کرده، تا شهر پلخمری به هیچ‌گونه مقاومت مردمی مواجه نشده است.» اوستینف وزیر دفاع، گرومیگو وزیر خارجه و اندروپف رییس ک.گ.ب اتحاد شوروی به امضای خود به تاریخ ۲۷- ۲۸ به کمیته‌ی مرکزی ح.ک.ا.ش نوشتند: «در شرایط خیلی دشوار که در آن مسأله شکست دست‌آوردهای انقلاب اپریل و موضوع امنیت کشور مطرح بود، لزوم اعطای کمک نظامی به میان آمد؛ به ویژه که این کمک از جانب حکومت قبلی ح.د.د درخواست شده بود. با در نظر داشت مواد معاهده‌ی ۱۹۷۸ افغانستان و اتحاد شوروی، تصمیم اتخاذ شد به افغانستان نیروی لازم ارتش اتحاد شوروی گسیل شود.» گفتار فوق از اسناد محرم کمیته‌ی مرکزی ح.ک.ا.ش که توسط داکتر خلیل وداد در سایت انترنتی مشعل ترجمه و به نشر سپرده شده اقتباس گردیده است. این که از جانب کدام رهبر جمهوری دموکراتیک افغانستان، چگونه و چه زمانی، از رهبری اتحاد شوروی تقاضا به عمل آمده تا قوای نظامی خود را به افغانستان بفرستند، کدام سند معتبر و رسمی تحریری، از جانب رهبری افغانستان ارائه نشده است و موجود نیست."

منبع: عبدالوکیل، از پادشاهی مطلقه الی سقوط جمهوری دموکراتیک افغانستان، انتشارات عازم، ۱۳۹۶، صص ۴۱۲-۴۱۳

- تنها "گپ مردم" بازتاب‌دهنده‌ی موضع‌گیری رسمی نشریه است و مسئولیت نوشته‌های دیگر به عهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.
- "صدای مردم افغانستان" از ارسال نوشته‌های خوب شما استقبال می‌کند. اداره‌ی نشریه در ویرایش، نشر و یا عدم نشر نوشته‌ها دست باز دارد.

فیس‌بوک: هفته نامه صدای مردم افغانستان
آدرس دفتر: کابل، کارته - ۳، سرک شش، نزدیک ریاست پاسپورت

مدیر مسئول
عبدالخالق آزاد
شماره‌ی تماس: ۰۷۹۸۵۷۷۸۰۸
سر دبیر
اسحق‌علی احساس
ایمیل: sadaaym@gmail.com
زیر نظر شورای نویسندگان

سال پنجم، یک شنبه، ۱۸ قوس ۱۳۹۷ هجری خورشیدی، ۹ دسامبر ۲۰۱۸ میلادی

شماره‌ی ۲۰۷

نقد اجتماعی

مردم خسته و نا امید هستند!

حیدر زاهدی

نتایج نظرسنجی بنیاد آسیا در مورد افغانستان، که هفته‌ی گذشته به نشر رسید، نشان می‌دهد که شهروندان افغانستان در بسیاری از موارد نسبت به آینده‌ی، هم‌چنان نا امید اند. بدتر شدن امنیت، بی‌کاری، فراگیر شدن رویدادهای هراس‌افکنانه و انتحاری، هراس از تشدید تعصبات قومی-فرقه‌ای، بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی، فروماندن کشور در وضعیت توسعه‌نیافتگی، محدود شدن آزادی بیان و داخل شدن کشور در رقابت‌های منطقه‌ای، چالش‌های است، که ظاهراً حکومت توجه آن‌چنانی به آن‌ها ندارند، از جمله عواملی است، که به نا امید مردم نسبت به آینده‌ی شان دامن زده است.

در کنار موجودیت چنین چالش‌ها، شرایط به گونه‌ای است، که تلاش‌ها برای فروماندن افغانستان در وضعیت جنگی به شدت جریان دارد. احساس ترس و ناامنی از خانه گرفته تا شهر، تا مسافرت در شاهراه‌ها و مکان‌های عمومی، روح و روان هر انسان این سرزمین را می‌آزارد. آینده‌ی مبهم و نامعلوم، رشد بنیادگرایی، شدت یافتن مداخلات سازمان‌های استخباراتی منطقه در کشور و اعتقاد به حکومت‌داری قبیلوی، نگران‌کننده‌ترین مواردی است، که آرامش و امیدواری مردم افغانستان را در معرض نابودی قرار داده است.

در کنار این موارد، زمینه‌های رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری در زیر سایه‌ی چنین حکومت و بی‌ثباتی موجود، محدود شده و ساختار قبیلوی جامعه روند نهادینه‌شدن ارزش‌های دموکراتیک را در مواردی به بن‌بست کشانده است. از همه فاجعه‌آمیزتر، نبود راهکاری مناسب برای بیرون‌رفت از چنین درماندگی و بدبختی است. اعتقاد به تساهل، رواداری، مشارکت همگانی و برابری قومی در درون حکومت و جامعه، کم‌رنگ‌تر از آن چیزی است که تصور می‌شود. اما برعکس باورمندی به برتری طلبی قبیلوی، تمایل به دیگر ستیزی و روحیه‌ی پرخاش‌گری و خشونت پر رنگ و فراگیر است. با این اوصاف وقتی حکومت به عنوان تنها اقتدار مشروع، به مسوولیت‌های قانونی‌اش، که عبارت از تأمین امنیت، عدالت، قانونیت و فراهم‌ساختن کار و نیازهای زندگی مردم است، عمل نمی‌کند و با رویکرد کامل استفاده‌جویانه از امکانات عامه بهره‌گیری می‌کند و یا با بزرگ‌نمایی کارهای اندک‌اش، واقعیت‌ها را برای مردم وارونه جلوه می‌دهد، مردم حق دارند، از آینده نا امید باشند، به وعده‌های حکومت باور نکنند، به نهادهای امنیتی بی‌باور باشند، در داخل کشور سرمایه‌گذاری نکنند و در نهایت تصمیم به ترک کشور و زادگاه‌شان بگیرند.

واقعیت این است، که حکومت مسوولیت دارد، با روی دست گرفتن اقدامات اساسی برای بهتر شدن وضعیت عمومی تلاش کند و در برابر مردم نه با غوغاسالاری و رفتار عوام‌پسند، بلکه با تعهد و صداقت رفتار نماید، در این صورت است، که امید به آینده در دل مردم شکل خواهد گرفت، تمایل به ترک وطن به عشق ماندن در وطن تغییر خواهد کرد، نا امید به امید تبدیل خواهد شد و مردم در کنار حکومت برای رهایی از بحران تلاش خواهند کرد.

اگر مسوولان حکومت وحدت ملی می‌خواهند؛ مشروعیت حکومت شان بیشتر از این‌ها زیر سوال نرود، حداقل در برابر مردم صادق باشند و کاری نکنند که نگرانی مردم را در نظر نگیرند. واقعیت این است، که مردم از کار و روند حکومت‌داری کنونی به شدت ناراحت اند و بسیار ناراضی. برای آقای غنی و تیم همکار او بهتر این خواهد بود، تا به نیازها و خواست‌های مردم توجه کنند، تهدیدها را جدی بگیرند، از نگاه‌های تنگ‌نظرانه‌ی قبیلوی بیرون بیایند و برای رهایی کشور از دام بحران‌های بنیاد برانداز کنونی تلاش کنند.

افغانستان؛ جغرافیای شناخته‌شده‌ی جنایات جنگی و جرایم ضد بشری

خالق آزاد

محکمه‌ی جرایم بین‌المللی (ICC) در جریان سال ۲۰۱۷ در کمتر از سه‌ماه، بیش از یک میلیون شکایت در مورد ارتکاب جرایم جنگی و جنایات ضد بشری را، از جانب شاکیان دریافت کرده است. در حالی که پس از ارسال آن همه شکایت، گراف فاجعه هم‌چنان سیر صعودی داشته و اوضاع به مراتب در سال ۲۰۱۸ دشوار و تهدیدآور گردیده است. این جنایات که از جانب گروه‌های تروریستی، قاچاق‌چیان مواد مخدر، هراس‌افکنان بین‌المللی و از جمله گروه‌های منسوب به داعش و حملات کور نیروهای امنیتی و حمایت قاطع صورت می‌گیرد، برای محکمه‌ی جرایم بین‌المللی مسوولیت ویژه‌ای را خلق کرده است تا در آن موارد هرچه عاجل‌تر تحقیق و بررسی را آغاز نماید. مردم افغانستان برای بررسی و تعقیب جنایتکاران، فقط به این محکمه چشم دوخته است. در این اواخر که هراس‌افکنان جهانی عمدتاً گروه‌های خاص قومی، زبانی و مذهبی را در ساحات مشخص جغرافیایی و اما غیر نظامی هدف قرار داده‌اند، موضوع روشن و غیر قابل انکار است. زیرا این گروه‌ها این گونه جنایات را مسوولیت اعتقادی دانسته و با افتخار توسط سخنگویان‌شان رسماً مسوولیت آن‌را پذیرفته‌اند. از میان ده‌ها گروه هراس‌افکن، عمده‌ترین گروه‌هایی که در این زمینه به شدت فعال بوده، طالبان و داعش اند. به یقین می‌توان ادعا کرد، که این گروه‌ها قصد نابودی کتلوی گروه‌های خاص قومی و مذهبی را در افغانستان دارند. در این اواخر بسیاری این مردم، بنا به حملات پیهم گروه‌های تروریستی، علاوه بر آن که عده‌شان آماج کشتار قرار گرفته، بنا به عدم امنیت ناچار به کوچ گروهی و جابه‌جایی کم نظیر در تاریخ افغانستان شده‌اند. از هندوها، سیک‌ها و بخش وسیع هزاره‌ها می‌توان به عنوان اقوام خاص متضرر نام برد. این وضعیت که با دشواری‌های روانی و از دست‌دادن همه امکانات زندگی‌شان همراه بوده، این کتله‌های قومی را به شدت در وضعیت ناآرام روانی و روحی قرار داده‌اند. گروه‌های هراس‌افکن برای حذف این کتله‌های قومی، بارها تجمعات مربوط به آنان را هدف حملات انتحاری قرار داده‌اند.

حملات پیهم به کتله‌های خاص قومی و اقلیت‌های مذهبی، به‌ویژه در جریان دو سال اخیر به‌صورت بی‌پیشینه‌ای افزایش یافته و صدمات جبران‌ناپذیر را بر بخش‌های زیادی از این کتله‌های قومی و مذهبی به بار آورده است. در جریان مان نومیبر، طالبان با حمله بر بخش‌های از افغانستان مرکزی، که ساکنان آن با جنگ و خشونت کاملن مخالف اند، مرتکب جنایات نسل‌کشی، جنایات ضد بشری و جنایات وسیع جنگی در چندین ساحه گردیده‌اند. قتل و کشتار مردمان بی‌دفاع در ارزگان خاص، به گروگان‌گرفتن و کشتار افراد غیرنظامی در مالدستان و حملات غافل‌گیرانه‌ی شبانه به گونه‌ی متواتر در ساحات وسیع از ولایت غزنی و به‌ویژه در جاغوری هم‌اکنون

ادامه دارد. ده‌ها فرد غیر نظامی از جمله زنان، کودکان و کهن‌سالان از جمله‌ی قربانیان این جنایات هولناک اند. هزاران خانواده بنا به فشار نظامی ناچار به ترک مسکن و زادگاه مادری‌اش گردیده و تمامی دارایی و اموال‌شان را طالبان به غارت برده و این گروه از ساحات رهاشی و مردم آن مناطق به عنوان سپر انسانی استفاده نموده‌اند.

در کنار محروم‌سازی مردم از آزادی‌های مدنی، گروه طالبان، در سطح وسیع افغانستان، حق تعلیم که از حقوق اساسی انسان‌ها است را نیز از مردم گرفته‌اند. آن‌چنان که پیش از این، گروه‌های تروریستی جامعه‌ی بشری را با تهدید و بحران مهاجرت مواجه ساخته، یقیناً در صورت بی‌توجهی در بخش بررسی حقوقی این جنایات، مشکلات جامعه‌ی جهانی و به خصوص اروپا بیشتر از این افزایش خواهد یافت.

متأسفانه دولت افغانستان در این خصوص متکی به شیوه‌ی گزینشی بوده و بنا به دل‌بستگی‌های تباری و قومی با گروه‌های هراس‌افکن به شیوه‌ی هدف‌مندانه و توطئه‌گرانه برخورد کرده و هیچ‌گاه اقدام به موقف را در مورد حفاظت از جان بسیاری از شهروندان افغانستان به عمل نیاورده است. رئیس حکومت وحدت ملی که به دنبال ملاحظات قومی، مذهبی و سمتی اقداماتش را برنامه‌ریزی می‌نماید، در بسیاری از موارد، بنا به بی‌توجهی سوال‌برانگیز، کم‌تر از گروه‌های هراس‌افکن در ارتکاب این جنایات سهم ندارد. ده‌ها مورد نشان می‌دهد که به دلیل دل‌بستگی‌های مسوولان حکومت، گروه‌های مقاومت مدد مخالف هراس‌افکنان، آماج حملات حکمت‌قا،

حملات پیهم به کتله‌های خاص قومی و اقلیت‌های مذهبی، به‌ویژه در جریان دو سال اخیر به‌صورت بی‌پیشینه‌ای افزایش یافته و صدمات جبران‌ناپذیر را بر بخش‌های زیادی از این کتله‌های قومی و مذهبی به بار آورده است. در جریان مان نومیبر، طالبان با حمله بر بخش‌های از افغانستان مرکزی، که ساکنان آن با جنگ و خشونت کاملن مخالف اند، مرتکب جنایات نسل‌کشی، جنایات ضد بشری و جنایات وسیع جنگی در چندین ساحه گردیده‌اند. قتل و کشتار مردمان بی‌دفاع در ارزگان خاص، به گروگان‌گرفتن و کشتار افراد غیرنظامی در مالدستان و حملات غافل‌گیرانه‌ی شبانه به گونه‌ی متواتر در ساحات وسیع از ولایت غزنی و به‌ویژه در جاغوری هم‌اکنون



می‌گیرد. حوادث رقت‌انگیز کابل در این اواخر نشان داد، که نیروهای امنیتی افغان در مورد کشتار معترضان مدنی کوچک‌ترین ترس به دل راه نمی‌دهند. از آن رو در این رویدادها حداقل ده غیر نظامی، از جمله کودکان دوره‌ی متوسطه‌ی مکاتب آماج گلوله‌های نیروهای امنیتی قرار گرفتند. نا امن‌ترین بخش افغانستان اماکن و ساحاتی است، که اصولن باید در آن امنیت وجود داشته باشد. آیا در هیچ جای کره‌ی زمین همانند افغانستان مکاتب، مراکز آموزشی، مراکز دینی و مذهبی، مراکز داد و ستد تجاری، راه‌ها و مسیرهای رفت‌وآمد مردم، چنین نا امن دیده می‌شود؟

سیاست قومی، زبانی و مذهبی که از جانب حکومت افغانستان در یک نوع هماهنگی غیرمستقیم با گروه‌های هراس‌افکن عمدن اعمال می‌شود، به کمیت قربانیان و ابعاد فاجعه افزوده و حکومت کوچک‌ترین توجهی به امنیت این کتله‌های قومی و مذهبی نکرده است. بنا به همین بی‌توجهی است، که اقلیت‌های قومی از افغانستان در حال فرار اند. این حکومت با حیف و میل میلیاردها دالر کمک جامعه‌ی جهانی در جریان قریب ۱۷ سال از عمرش، کم‌ترین تلاش برای ایجاد یک نهاد عدلی و قضایی نکرده و از میان این همه جنایت‌کار جنگی تا کنون یک نفر هم به میز محاکمه سوق داده نشده است. سازمان انکشاف حقوق بشر و صلح افغانستان، به آگاهی از این وضعیت، نیک می‌داند که حکومت افغانستان نه اراده و نه توان تعقیب عدلی مرتکبین آن گونه جنایات را دارند. لذا این مسوولیت به دوش محکمه‌ی جرایم بین‌المللی می‌افتد تا حداقل از سال ۲۰۰۴ که افغانستان رسماً عضویت این محکمه را پذیرفته، تا کنون که قریب به یکصد هزار غیر نظامی در این کشور قربانی گردیده، برای بررسی و تعقیب جرایم ضدبشری و جنایات جنگی، هیئت را اعزام و موضوع را تحت پیگرد عدلی و قضایی قرار دهد.

ضرورت است؛ ICC دولت افغانستان را زیر فشار قرار دهد تا این دولت به مسوولیت‌هایش توجه نموده و در توزیع امنیت شهروندانش تفاوت‌های قومی، زبانی و مذهبی را مدنظر قرار ندهد. سازمان انکشاف حقوق بشر و صلح افغانستان، از این محکمه مصرانه تقاضا می‌نماید تا با اعزام هیئت تحقیق و بررسی از این همه جنایات، هر چه عاجل اقدام نموده و به انتظار مردم افغانستان پاسخ مناسب دهد. مردم افغانستان به‌ویژه آن‌هایی که اعضای خانواده‌ی‌شان را از دست داده، زندگی و محل رهاشی‌شان به تاراج رفته، آواره و مجروح گردیده‌اند، چشم انتظار اقدامات لازم و مناسب از جانب ICC اند.